

تأثیر وضعیت پیشین زیان دیده در مسئولیت مدنی عامل زیان

نفیسه شوشی نسب*
عباس میرشکاری**

مجله حقوقی دادگستری / سال هفتاد و هفتم / شماره ۸۴ - زمستان ۱۳۹۲

چکیده

در این مقاله سعی نگارندگان بر این است تا به بررسی این مسئله بپردازند که آیا وضعیت پیشین زیان دیده در میزان مسئولیت واردکننده زیان تأثیرگذار است یا خیر. منظور از وضعیت پیشین زیان دیده در این مقاله، وضعیت غیرطبیعی جسمی او قبل از ورود زیان است. گاه عامل زیان، میزان خسارت زیان دیده را تشدید می‌کند؛ گاه نیز ماهیت خسارت زیان دیده را تغییر می‌دهد. باید گفت چه در قانون جدید و چه در قانون قدیم مجازات اسلامی، به جز مورد نابیناساختن تنها چشم زیان دیده که قانونگذار آن را در تشدید مسئولیت عامل زیان و محکوم ساختن او به پرداخت دیه دو چشم مؤثر دانسته است، در سایر موارد قانونگذار وضعیت پیشین را در تخفیف مسئولیت عامل زیان مؤثر دانسته است. بنابراین مورد چشم در تشدید مسئولیت، موردی استثنایی است که باید به تفسیر مضیق در مورد آن اکتفا نمود.

کلید واژه :

دیه، زیان دیده، قانون مجازات اسلامی، مسئولیت مدنی، وضعیت پیشین زیان دیده.

* دکترای حقوق خصوصی از دانشگاه تهران (نویسنده مسئول)

nshooshinasab@ut.ac.ir

** دکترای حقوق خصوصی از دانشگاه تهران

mirshekariabbas\@yahoo.com

گاه زیان دیده خود در صحنه مسئولیت مدنی ایفاگر نقش است؛ به این معنا که نه تنها با خطای خود در ایراد ضرر به خود و اجرای قاعده «اقدام» مشارکت می‌کند،^۱ در بعضی مواقع با وضعیتی که پیش از وقوع خسارت داشته است، یکی از چالش‌های مهم مسئولیت مدنی را فراهم می‌آورد.

جبران کامل خسارات، همیشه یکی از دغدغه‌های اصلی حقوق دانان بوده است. نمونه بارز چنین اندیشه‌ای، اصل تدارک کلیه خسارات یا جبران کامل خسارات است که به‌عنوان قاعده در حقوق پذیرفته شده است. مفهوم این اصل این است که تمام خسارات وارده باید جبران شود چنان‌که گویی خسارت جبران نشده در جامعه نیست.^۲

از سوی دیگر بنابر اصول لاضرر و نیز عدم وجود ضرر جبران نشده در اجتماع باید گفت هنگامی که خسارتی به شخصی وارد می‌شود تا جایی که ممکن است باید تعادلی را که به‌وسیله خسارت از میان رفته است، بازگرداند به‌گونه‌ای که بر اساس قانون مجازات اسلامی قدیم، حتی در مواردی که فاعل فعل زیان‌بار مشخص نیست (ماده ۲۵۵ قانون مجازات اسلامی قدیم) یا توان پرداخت خسارت را ندارد (ماده ۲۶۰ قانون مجازات اسلامی قدیم) ضرری جبران نشده باقی نمی‌ماند بلکه جبران آن بر عهده بیت‌المال است.

به‌طور خاص، در این مقاله سعی بر پاسخ‌گویی به این پرسش است که اگر زیان دیده، از قبل دچار عارضه‌هایی بوده یا آمادگی و تأثیرپذیری ویژه‌ای نسبت به خسارت داشته باشد، آیا نباید وضعیت پیشین^۳ وی را که در ایراد خسارت تأثیر داشته است و زمینه پیدایش آن را فراهم کرده است یا دامنه آن را گسترش داده است در نظر گرفت و از میزان جبران خسارت او کاست؟^۴

^۱. برای بحث تفصیلی و تطبیقی، ن.ک: کاتوزیان، ناصر، ضمان قهری، دانشگاه تهران، ۱۳۷۰؛ جنیدی، لعیا، «تقصیر زیان دیده»، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، زمستان ۱۳۷۸، ص. ۵۰؛ ایزانلو، محسن، «اثر تقصیر خطای زیان‌دیده بر رجوع نهاد تأمین اجتماعی»، فصلنامه حقوق دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، سال سی و نهم، ش ۴، زمستان ۱۳۸۸، ص ۳۵.

^۲. یزدانیان، علیرضا، حقوق مدنی. قواعد عمومی مسئولیت مدنی، ج اول، میزان، زمستان ۸۶، ص. ۱۰۲.

^۳. Predisposition

^۴. ژوردن، پاتریس، اصول مسئولیت مدنی، ترجمه و تحقیق: مجید ادیب، میزان، ۱۳۸۵، ص ۲۲۰.

به‌طور کلی باید گفت خواننده مسئول کلیه نتایج ناشی از بی‌احتیاطی خود است، صرف‌نظر از اینکه اگر این ضرر به شخص دیگری وارد می‌شد، میزان آن کمتر بود یا به دلیل وضعیت خاص خواهان، این زیان به او وارد شده یا زیان او تشدید شده باشد. ممکن است گفته شود که بازگشت این مسئله در نهایت به مسئله دوری و نزدیکی سبب است.^۱ اما در همین مقدمه لازم به ذکر است که در اینجا مجالی برای طرح مباحث مربوط به رابطه سببیت و پرداختن به این مسئله که آیا تأثیر وضعیت پیشین زیان‌دیده در تشدید خسارت سبب دور محسوب می‌شود یا نزدیک، نیست. در حقیقت سؤال مطرح‌شده در این مقاله به‌صورت مطلق به این صورت است که آیا وضعیت پیشین زیان‌دیده در تشدید یا تخفیف مسئولیت عامل زیان مؤثر است یا خیر. تنها به ذکر این نکته اکتفا می‌شود که به نظر نویسندگان این مقاله، در مورد بحث، مسئله رابطه سببیت بین وضعیت پیشین زیان‌دیده و تشدید زیان مطرح نیست و در فرض مورد بحث، انتساب زیان وارده یا تشدید آن، به فعل یا ترک فعل خواننده محرز بوده و نیز محرز است که این فعل یا ترک فعل بیش از مقداری که به‌طور متعارف باید، زیان به بار آورده است. حال با توجه به غیرقابل پیش‌بینی بودن این زیان اضافی برای خواننده، باید دید که آیا خواننده مسئول این مقدار اضافی خسارت - که در حقیقت ناشی از وضعیت پیشین زیان‌دیده است - هست یا خیر. آنچه به‌طور مختصر در این مجال باید گفت این است که این مسئله بیش از اینکه مربوط به رابطه سببیت باشد، به بحث لزوم یا عدم لزوم قابل پیش‌بینی بودن زیان برای خواننده مربوط است. در بخش‌های بعدی مقاله به تفصیل به این مسئله پرداخته خواهد شد. بنابراین در خصوص اصل مسئله و در مرحله ثبوت باید دید که آیا وضعیت پیشین زیان‌دیده در تشدید یا تخفیف مسئولیت عامل زیان نقش دارد یا خیر.

همچنین باید توجه داشت که آنچه در این مقاله منظور نویسندگان است مشارکت زیان‌دیده در وقوع خسارت نیست بلکه بحث بر سر این است که آیا زیان‌دیده به سبب وضعیت غیرطبیعی که قبل از وقوع خسارت داشته و این وضعیت غیرطبیعی در تشدید خسارت وارده تأثیر داشته است، به‌گونه‌ای که اگر این وضعیت پیشین نمی‌بود خسارت کمتری وارد می‌شد، از دریافت بخشی از خسارت محروم می‌ماند یا خیر.

^۱ . Johann Neethling, Contributory Negligence under South African Law, November ۲۰۰۳, p.۱۷۲.

ذکر این نکته نیز در مقدمه لازم به نظر می‌رسد که درست است که اعمال قاعده اقدام و نیز اثر خطای زیان‌دیده^۱ که در متن مقاله به مقایسه آن با موضوع بحث پرداخته شده است، در مسئولیت‌های بدون تقصیر مصداق ندارد،^۲ اما در بحث وضعیت پیشین زیان‌دیده چنین نیست؛ به این معنا که بحث مطرح‌شده در مقاله اختصاص به مسئولیت ناشی از تقصیر ندارد و در کلیه انواع مسئولیت اعم از مسئولیت مبتنی بر تقصیر و مسئولیت بدون تقصیر، امکان طرح این پرسش وجود دارد که آیا وضعیت پیشین زیان-دیده باید در احتساب خسارت مدنظر قرار گیرد یا خیر.

در این مقاله ابتدا منظور از وضعیت پیشین زیان‌دیده تبیین خواهد شد. سپس این بحث با قواعد مشابه نظیر قاعده اقدام و اثر خطای زیان‌دیده مقایسه خواهد شد. در ادامه نیز مواد مربوط در قانون مجازات اسلامی قدیم و جدید بررسی می‌شود.

۱. تبیین موضوع

۱-۱. وضعیت پیشین زیان‌دیده

قبل از ورود به بحث اصلی لازم است تبیین شود که منظور از وضعیت پیشین زیان‌دیده و تأثیر آن چیست. وقتی گفته می‌شود وضعیت پیشین زیان‌دیده در مسئولیت عامل زیان اثرگذار است به این معناست که این وضعیت غیرطبیعی او در تشدید یا تخفیف مسئولیت عامل زیان اثرگذار است. بنابراین بحث وضعیت پیشین زیان‌دیده، زمانی مطرح می‌شود که زیان‌دیده قبل از ورود زیان دارای وضعیت غیرطبیعی باشد و منظور، وضعیت پیشین فردی نیست که از نظر جسمی سالم اما دچار مشکلات روحی و روانی است. توضیح بیشتر آنکه در مواردی زیان‌دیده دارای وضعیت غیرطبیعی و استثنایی است و از نظر ساختار فیزیکی بدن^۳، انسانی غیرمتعارف است. حال سؤال اینجاست که چنانچه این خصوصیات از نظر فاعل فعل زیان‌بار مخفی باشد و این خصوصیات نیز در تحقق کمیت خسارت نقش داشته باشد، آیا خواننده می‌تواند به این استدلال که این خصوصیات برای او غیر قابل پیش‌بینی بوده از مسئولیت رهایی یابد؟

برای شناخت دقیق موضوع لازم است مثالی مطرح شود. به فرض که «الف» در تاریخ ۱۳۸۸/۱/۱ متحمل خسارتی شده است. در تاریخ ۱۳۸۸/۱/۲ «ب» نیز خسارت دیگری به او وارد می‌کند. به این ترتیب، زیان‌دیده پیش از ایراد زیان توسط «ب»، خود دچار

^۱. Contributory Negligence” or “Compensation de Culpas”

^۲. Ibid.

^۳. Physique de la victime

زیان بوده است. برای نشان دادن این وضعیت از اصطلاح وضعیت پیشین زیان دیده استفاده می‌شود. آنچه به‌طور دقیق در این قسمت مورد سؤال قرار می‌گیرد این است که حق رجوع «الف» به «ب» به چه میزانی است؟ به اندازه مجموع خسارتی که متحمل شده است یا تنها خسارتی که «ب»، سبب ایراد آن بوده است؟

مورد دیگر، فرضی است که زیان دیده پیش از ورود زیان دارای وضعیتی نامتعارف بوده است. به‌طور مثال از یک چشم نابینا بوده است. سؤالی که مطرح می‌شود این است که حال که دیگری بر اثر حادثه، چشم دیگرش را نیز نابینا ساخته (باتوجه به اینکه فرد مطلقاً نابینا شده است) زیان دیده می‌تواند دیه هر دو چشم را از عامل زیان بگیرد یا عامل زیان فقط مکلف به پرداخت دیه چشمی است که خود باعث آسیب به آن شده است نه بیشتر؟

در بخش‌های بعدی مقاله به تفصیل به این پرسش پاسخ خواهیم داد. لازم به ذکر است که در برخی کشورها وضعیت پیشین زیان دیده را به دو نوع ضعیف و شدید تقسیم‌بندی کرده‌اند. برای مثال، موردی که خواهان محافظ بدنی را در مواجهه با سگ دوستش به خود نبسته و در شدت بخشیدن به زیان خود - که از قبل نیز تا حدی وجود داشته است - مشارکت داشته است، وضعیت پیشین از نوع ضعیف^۱ شناخته شده است.^۲ ملاحظه می‌شود که «اقدام زیان دیده» - که در بخش بعد به آن پرداخته خواهد شد - در ضعیف‌انگاشتن و کم‌اهمیت‌دانستن وضعیت پیشین او در شدت خسارت، از منظر دادگاه تأثیرگذار بوده است. به نظر می‌رسد که معیار تشخیص شدت و ضعف وضعیت پیشین زیان دیده بنا به تشخیص قاضی بوده و در هر مورد خاص متفاوت است. می‌توان گفت که منشأ این تفکیک به مسئله دوری و نزدیکی سبب و نظریه لزوم بررسی وجود یا عدم وجود رابطه سببیت بین وضعیت پیشین زیان دیده و تشدید خسارت وارده بازمی‌گردد. بدیهی است اثر این تقسیم‌بندی در تعیین میزان خسارت قابل جبران توسط دادگاه ظاهر می‌شود.

^۱. Weak Predisposition

^۲. Johann Neethling, op.cit, p.۱۷۲.

۱-۲. مقایسه وضعیت پیشین زیان دیده با نهادهای مشابه

الف. قاعده اقدام

یکی از قواعد فقهی که سبب سلب یا کاهش میزان مسئولیت عامل زیان می‌شود، قاعده اقدام است. قاعده اقدام که از آن در کتب فقهی عمدتاً با عنوان یکی از مسقطات ضمان یاد می‌شود به این معنی است که هنگامی که شخصی اقدام به اسقاط احترام مال خود می‌کند و بدون دریافت عوض، مالش را در معرض تلف قرار می‌دهد، مسئولیت دیگران نسبت به آن مال ساقط می‌شود. در واقع مالک نمی‌تواند هنگامی که اقدام به تلف مال خود می‌کند، انتظار جبران خسارت از دیگران داشته باشد زیرا سبب مسئولیت این است که اموال اشخاص احترام دارد و هنگامی که شخصی به دست خود این احترام را ساقط می‌کند هیچ مبنا و دلیلی برای ضمان وجود ندارد.

در فقه موارد زیادی وجود دارد که هنگامی که شخص زیان دیده اقدام به اضرار به خود کرده، حکم به عدم ضمان داده شده است. به عنوان نمونه هنگامی که شخص عاقلی با دیوانه یا صغیر معامله می‌کند و مال خود را در اختیار آن‌ها قرار می‌دهد، اگر اقدام دیوانه یا صغیر منجر به تلف آن مال شود، آن‌ها مسئولیتی در مقابل صاحب مال ندارند زیرا در این حالت مالک اقدام به اضرار به خود کرده است.^۱ از این قاعده که در متون قانونی نیز راه یافته است (از جمله ماده ۱۱۴ قانون دریایی ایران مصوب ۱۳۴۳^۲ و مواد ۳۳۱ و ۳۴۶ و تبصره ماده ۳۵۵ قانون مجازات اسلامی قدیم) می‌توان چنین استنباط کرد که هرگاه شخصی با وجود امکان کاهش یا جلوگیری از افزایش خسارت، اقدامی نماید که موجب ضرر به خود شود، خودش مسئول شناخته می‌شود نه عامل زیان. در بیان شباهت قاعده اقدام با وضعیت پیشین زیان دیده می‌توان به کارکرد مشابه هر دو اشاره کرد. در واقع، مهم‌ترین اثر قاعده اقدام، حذف یا تحدید مسئولیت عامل زیان است؛ اثری که می‌تواند با وضعیت پیشین زیان دیده مشترک باشد. اما صرف نظر از این

۱. برای دیدن مصادیقی از اجرای این قاعده در فقه: الطهوری، الشیخ صادق، محصل المطالب فی تعلیقات المکاسب، ج ۲، ص ۶۱۸ (در خیار غبن)؛ سید خویی، مصباح الفقاهه، ج ۷، ص ۷۵ (در غرر)؛ نایینی، المکاسب و البیع، ج ۲، ص ۱۴۴ (در معامله فضولی)؛ محقق بحرانی، الحدائق الناضره، ج ۲۲، ص ۳۴۰ (در هبه).

۲. این ماده مقرر می‌دارد: «در صورتی که متصدی حمل و نقل ثابت نماید فوت یا صدمات بدنی بر اثر تقصیر یا غفلت خود مسافر بوده و یا عمل مسافر در وقوع آن تأثیر داشته، دادگاه بر حسب مورد متصدی حمل را کلاً و یا جزئاً از مسئولیت بری خواهد کرد».

نکته، آنچه اشتراک این دو را بیشتر می‌کند توجه به این نکته است که کلمه اقدام شامل دو معنا است: نخست اینکه شخصی اقدام به ضرر به خود کند یعنی فعل مثبتی را انجام دهد و مورد دوم زمانی است که شخصی با عدم انجام فعلی موجب ورود ضرر به خود شود (ترک فعل). در اینکه فعل مثبت مضمول قاعده اقدام می‌شود تردیدی نیست و این امر از معنای لغوی کلمه «اقدام» نیز استخراج می‌شود. اما در شمول ترک فعل یا فعل منفی اختلاف نظر وجود دارد. به نظر می‌رسد هرچند فقها در اکثر موارد اقدام را در معنای مثبت به کار برده‌اند اما منعی ندارد که اقدام شامل ترک فعل نیز بشود چه آنچه سبب اسقاط ضمان می‌شود، اسقاط احترام مال از جانب مالک است. این مبنا را اگر بتوان با ترک فعل نیز استنباط کرد دلیلی بر تحدید قاعده اقدام به فعل مثبت نیست.^۱ اگر این تحدید پذیرفته نشود، شباهت قاعده مورد بحث با وضعیت پیشین زیان‌دیده بیشتر می‌شود چه همان‌طور که در وضعیت پیشین، زیان‌دیده مرتکب فعلی نمی‌شود، در قاعده اقدام نیز ضرورتاً لزومی به انجام فعلی مثبت از طرف زیان‌دیده نیست. اما حقیقت آن است که در فرض اجرای قاعده اقدام، خود زیان‌دیده با عملکرد خود در تحقق عنصر مادی (فعل زیان‌بار)، به صورت فعال نقش دارد اما در بحث حاضر زیان-دیده نقشی منفعل در مرحله عنصر مادی دارد و تنها به‌خاطر وضعیتی که از پیش گرفتار آن بوده، تردیدهایی در مسئولیت عامل زیان ایجاد می‌شود. در واقع، در فرضی که زیان‌دیده با فعل یا ترک فعل خود، در ایراد ضرر به خود مشارکت داشته، تردید کمتری در پذیرش تحدید مسئولیت عامل زیان پیش می‌آید، اما این تحدید مسئولیت به‌خاطر وضعیتی که زیان‌دیده از پیش دچار آن بوده و در ایجاد آن نقشی نداشته است، بیشتر محل چالش است.

ب. اثر خطای زیان‌دیده

برخی از نویسندگان موقعیت زیان‌دیده‌ای را که در جهت کاهش زیان خود اقدام نموده یا با خطای خود خسارت وارده را تشدید کرده است با نهاد فوق مقایسه کرده-اند.^۲ صرف‌نظر از اینکه هر دو در راستای تحدید حق مطالبه خسارت زیان‌دیده هستند، آنچه این دو نهاد را به یکدیگر نزدیک می‌سازد این است که در هر دو زیان‌دیده نیز ایفای نقش می‌کند و در واقع عامل زیان در بحث مسئولیت، بدون همراه نیست. در فرض اجرای قاعده مورد بحث، تقصیر زیان‌دیده با تقصیر عامل زیان در ایراد خسارت

۱. جنیدی، همان، صص ۵۵ تا ۶۰.

۲. Hugh Beale, Chitty on Contracts, ۳۰th Edition, Vol. ۱, Sweet & Maxwell, p. ۱۱۵.

ترکیب می‌شود به نحوی که تقصیر وی تنها عامل ورود خسارت نیست بلکه تقصیر زیان- دیده نیز در ورود خسارت نقش داشته است.^۱ اما در وضعیت پیشین زیان دیده می‌توان گفت که مبنای عدم استحقاق مطالبه زیان‌های قابل اجتناب از سوی زیان دیده، خطای وی در ایجاد این بخش از زیان‌ها نیست بلکه وضعیتی است که وی پیش از این دچارش بوده است.^۲

بنابراین آنچه فارق این دو نهاد به طور اصلی و اساسی است نوع نقش زیان دیده است؛ چه در حالی که در قاعده «اثر خطای زیان دیده» زیان دیده پیش یا هم‌زمان با ورود ضرر مشارکتی داشته است، در وضعیت پیشین زیان دیده، وی در ایراد ضرر به خود نقشی نداشته است^۳ بلکه از آن روی در خصوص مسئولیت او بحث می‌شود که پیش از وقوع زیان، دچار وضعیتی بوده است.^۴

ج. وضعیت پیشین موضوع زیان در حقوق اموال

همان‌طور که ایراد صدمات جسمی با عنوان وضعیت پیشین زیان دیده قابل طرح است، این مسئله در ایراد خسارت به اموال نیز می‌تواند محل بحث قرار گیرد. برای مثال در مورد غصب، اگر مال مغضوب متعلق به «الف» در دست «ب» قرار بگیرد و دچار نقص و عیب شود و سپس در اختیار غاصب دوم، (ج) قرار بگیرد و در دست وی به عیب آن افزوده شود یا تلف شود، مسئولیت هریک به چه می‌زانی است؟ استادان حقوق در پاسخ این سؤال برآن‌اند که «هر گاه مال مغضوب در زمان تصرف یکی از غاصبان، نقص و عیبی پیدا کند سپس به دست دیگران برسد و تلف شود غاصبان بعد از او تنها ضامن مثل یا قیمت مال ناقصی هستند که غصب کرده‌اند و تفاوت قیمت بر عهده کسانی است که مال سالم را در دست داشته‌اند».^۵ به این ترتیب حتی در مورد غصب که اعمال سخت‌گیرانه اصول مسئولیت مدنی در مورد آن مشاهده می‌شود، تفکیک مسئولیت مورد توجه قرار گرفته است.

^۱. Gilbert Kodilinye, Commonwealth Caribbean Tort Law, Cavendish, ۲۰۰۲, p. ۴۵۳.

^۲. Ibid, p. ۴۶۹.

^۳. Thomas J. Miceli, Economics Of The Law, Oxford University Press, ۱۹۹۶, p. ۷۶; Anita Stuhmcke, Essential Tort Law, Cavendish, ۲۰۰۱, p. ۱۴۸.

^۴. Nicolette Priaulx, Tort Law and the Unwanted Child in an Era of Choice, Cavendish, ۲۰۰۷, p. ۹۱.

^۵. کاتوزیان، همان، ص ۴۵۶.

در اینجا خالی از لطف نیست که به ماده ۳۸۶ قانون تجارت اشاره شود. این ماده مقرر می‌دارد: «اگر مال‌التجاره تلف یا گم شود، متصدی حمل‌ونقل مسئول قیمت آن خواهد بود مگر اینکه ثابت نماید تلف یا گم‌شدن مربوط به جنس خود مال‌التجاره یا مستند به تقصیر ارسال‌کننده یا مرسل‌الیه یا ناشی از تعلیماتی بوده که یکی از آنان داده‌اند و یا مربوط به حوادثی بوده که هیچ متصدی مواظبی نمی‌توانست از آن جلوگیری کند». در واقع در مصداق اجرای این ماده، متصدی حمل‌ونقل در صورتی می‌تواند از مسئولیت تلف مال‌التجاره رهایی یابد که ثابت کند به دلیل وضعیتی که از پیش نصیب مال‌التجاره شده است، کالا تلف شده است.

۱-۳. بررسی فروض مختلف

در مورد صدمات وارد به جسم و مشخصاً در مصداق دیه، ارائه قاعده‌ای کلی مشکل است لذا به نظر می‌رسد در این زمینه باید فروض مختلف را از یکدیگر تفکیک نمود. حالت‌های زیر از جمله فروض قابل طرح است:

الف. آگاهی عامل زیان از خسارت قبلی زیان‌دیده

در این حالت، عامل زیان از خسارت قبلی زیان‌دیده (وضعیت پیشین زیان‌دیده) مطلع بوده است و باین‌حال، اقدام به ایراد ضرر به وی می‌نماید. برای مثال، «الف» می‌دانسته است که «ب» یک چشم خود را پیش از این از دست داده است و باوجود این آگاهی، اقدام به ازبین‌بردن بینایی چشم سالم وی می‌نماید یا آنکه می‌دانسته که وی پیش از این دچار سکنه شده است و علی‌رغم این آگاهی، اقدامی می‌کند که با توجه به سکنه قبلی وی، سبب فوت وی می‌شود. حال این سؤال مطرح می‌شود که آیا آگاهی الف از زیان قبلی «ب» در مسئولیت وی تأثیر خواهد داشت یا خیر؟

در این زمینه باید گفت برخلاف مسئولیت کیفری که تمرکز بر واردکننده ضرر است، در مسئولیت مدنی، توجه بر خود ضرر است نه بر واردکننده زیان یا زیان‌دیده.^۱ به

^۱. ذکر این نکته لازم است که وضعیت پیشین زیان‌دیده نباید با قتل عمدی مندرج در بند (ج) ماده ۲۰۶ قانون مجازات اسلامی قدیم مقایسه شود. نص فوق مقرر می‌دارد: «در مواردی که قاتل قصد کشتن ندارد و کاری را که انجام می‌دهد نوعاً کشنده نیست ولی نسبت به طرف بر اثر بیماری و پیری و یا ناتوانی یا کودکی و امثال آن‌ها نوعاً کشنده باشد و قاتل نیز به آن آگاه باشد قتل عمدی است». زیرا تنها تأثیر آگاهی در این حکم این است که قتل، عمد خواهد بود در حالی که در وضعیت پیشین زیان‌دیده، موضوع بحث، مسئولیت کیفری عامل زیان نیست بلکه بحث مسئولیت مدنی او مطرح است. برای بررسی بیشتر، ن.ک: خادم العموم، علی، «مسئولیت مطلق و مسئولیت مدنی»، مجله کانون وکلا، دوره اول،

تعبیر دیگر در مسئولیت مدنی دیدی عینی‌گرا وجود دارد. لذا نباید به این نکته توجه کرد که واردکننده زیان از چه خصوصیتی برخوردار است بلکه آنچه اهمیت دارد جبران ضرر واقع شده است؛ درحالی‌که در مسئولیت کیفری، تلقی شخصی‌گرا (تمرکز بر شخص واردکننده ضرر) وجود دارد.^۱ نتیجه منطقی پذیرش طرز تلقی عینی‌گرا در مسئولیت مدنی، لزوم جبران خود ضرر، صرف‌نظر از وارد کننده آن است.^۲ حال نه خصوصیات عامل زیان (ازجمله علم یا عدم علم وی) مؤثر است و نه طریق جبران آن و نیز تفاوتی نمی‌کند که آیا خود فرد ضرر وارده را جبران کند یا دیگری.

این نکته از قانون مجازات اسلامی قدیم نیز قابل استنباط است. همان‌طور که قبلاً اشاره شد براساس بند (ج) ماده ۲۰۶ ق.م.ا. قدیم قتل ازجمله در موردی عمدی است که: «قاتل قصد کشتن را ندارد و کاری را که انجام می‌دهد نوعاً کشنده نیست ولی نسبت به طرف بر اثر بیماری و یا پیری یا ناتوانی یا کودکی و امثال آن‌ها نوعاً کشنده باشد و قاتل نیز به آن آگاه باشد». «بیماری و یا پیری یا ناتوانی یا کودکی و امثال آن‌ها»، وضعیت پیشین زیان‌دیده است که آگاهی قاتل به این وضعیت، سوءنیت او را احراز می‌کند اما در بحث مسئولیت مدنی، این موضوع بی‌تأثیر است.

ب. تشدید خسارت زیان‌دیده یا تغییر ماهیت آن بر اثر عمل عامل زیان ؟

خسارتی که توسط عامل زیان بر فردی که خود از پیش، زیان دیده است وارد می‌شود می‌تواند به دو شکل باشد: گاه عامل زیان، میزان خسارت زیان‌دیده را تشدید می‌کند. برای مثال اگر فرد سابقاً ۳۰ درصد نابینایی داشته است، عامل زیان، میزان نابینایی وی را به ۵۰ درصد افزایش می‌دهد یا اگر بینی وی دچار عارضه قبلی از قبیل فقدان حس بویایی بوده است، عامل حادثه آن را قطع می‌کند. گاه نیز عامل زیان ماهیت خسارت زیان‌دیده را تغییر می‌دهد. برای مثال فردی که یک چشم خود را از دست داده است و تنها از یک چشم سالم برخوردار است، با عمل عامل زیان، چشم دیگرش را نیز از دست می‌دهد؛ در اینجا ماهیت زیان زیان‌دیده تغییر کرده است، چه حالت وی از بینایی به

خرداد و تیر ۱۳۳۳، ش ۳۸، صص. ۵۹-۵۷؛ حسینی نژاد، حسینقلی، مسئولیت مدنی، پخش فرهنگی و دانشگاهی شهید بهشتی، ۱۳۷۰، ص ۱۳.

^۱. ممکن است گفته شود که مواد ۳۲۴ و ۳۲۵ و ۳۲۶ قانون مدنی در باب غصب ازجمله مواردی هستند که علم و جهل مشتری را در مسئولیت او مؤثر می‌دانند. اما باید گفت بحث حاضر در حقیقت منحصر به مسئولیت مدنی به معنای اخص است. این درحالی است که در این مواد، بحث مسئولیت قراردادی بایع در مقابل مشتری مطرح است.

^۲. ژوردن، همان، ص ۳۴.

نابینایی تغییر کرده است. بنابراین به نظر می‌رسد باید احکام متفاوتی را بر دو قسم فوق بار کرد.^۱

ج. ایراد خسارت اولیه توسط عامل انسانی یا عامل غیرانسانی؟

در صورتی که خسارت بر اثر عامل انسانی ایجاد شده باشد این فرض قابل طرح است که زیان دیده می‌توانسته به وی مراجعه کند و خسارت خود را جبران نماید. لذا رجوع وی به عامل زیان دوم برای مطالبه خسارت، در تضاد با اصل جبران کامل خسارات است. در حالی که در زمانی که خسارت توسط عامل غیرانسانی ایجاد شده باشد فرض فوق قابل اجرا نیست.

در حقوق کامن‌لا، بحث عمدتاً در مورد فرضی مطرح می‌شود که وضعیت پیشین زیان دیده بر اساس عامل انسانی به وجود آمده است و در این صورت است که در مورد میزان مسئولیت وی پس از ایراد ضرر از جانب عامل زیان دوم بحث شده است. بر همین اساس تصور می‌شود که این نظام حقوقی بیشتر متمرکز بر فرض فوق‌الذکر است. دو مثال زیر که برگرفته از یکی از کتب حقوقی نظام فوق است این نظر را تأیید می‌کند:

درآمد فردی که سالیانه ۴۰/۰۰۰ پوند بوده است بر اثر تصادف به ۱۵/۰۰۰ پوند کاهش می‌یابد. بر اثر تصادفی دیگر وی از کارافتاده می‌شود. آیا عامل تصادف دوم باید بر اساس ۴۰/۰۰۰ پوند خسارت بپردازد یا بر اساس ۱۵/۰۰۰ پوند.

^۱ در حقوق فرانسه نیز این تفکیک پذیرفته شده است. شعبه دوم مدنی دیوان عالی این کشور در ۱۹ ژوئیه ۱۹۶۶ چنین رأی داده است:

“... Qui avait entraîné la perte de l'autre œil, était la cause directe de sa totale définitive inaptitude au travail peuvent donc évaluer l'incapacité résultant de cet accident a ۱۰۰% sans faire de discrimination entre l'incapacité préexistante et celle résultant directement de l'accident.”

بر اساس این رأی در موردی که چشم راست شخصی از قبل نابینا بوده است و در پی حادثه شکار، چشم چپ او نیز نابینا شده است، واردکننده زیان، مسئول نابینایی قربانی به میزان ۱۰۰ درصد شناخته شده است. استدلال دیوان عالی کشور فرانسه این بوده است که شخصی که تنها چشم قربانی را نابینا ساخته است سبب مستقیم نابینایی کامل او و به تبع آن، سبب ناتوانی مسلم او در انجام کار تلقی می‌شود. بنابراین مسئول جبران خسارت نابینایی او به صورت کامل است نه به اندازه یک چشم.

Available at:

<http://www.juricaf.org/arret/FRANCECOURDECASSATION19660719JURITEXT> .

۰۰۰۰۶۹۷ ۲۸۷۶

ورزشکاری با درآمد بسیار در یک حادثه رانندگی مجروح شده و هر دو پایش را از دست می‌دهد. شش ماه بعد فردی به روی صورت وی اسید می‌پاشد و وی را نابینا می‌سازد. حال عامل زیان دوم بر اساس چه میزانی باید مکلف به جبران خسارت باشد.^۱

۲. تبیین حکم

۲-۱. بررسی حکم در حقوق فرانسه و انگلیس

بر مبنای رویه قضایی موجود در فرانسه، تا زمانی که وضعیت پیشین زیان دیده پنهان باشد و نماد بیرونی نداشته باشد (مانند وضعیت ستون فقرات، نارسایی قلبی و به طور کلی تر، سلامتی شکننده یا ضعف جسمی) اصل جبران کامل خسارت از کاهش غرامت او جلوگیری می‌کند. بر این اساس تا زمانی که بیماری تنها به واسطه کنش زیان بار آشکار شده یا پدید آمده باشد مسئول باید خسارت را به صورت کامل جبران کند، حتی اگر مسلم باشد که این خسارت در صورت فقدان زمینه‌های قبلی که در زیان دیده وجود داشت پدید نمی‌آمد یا بدون آن، چنین شدتی نمی‌داشت. در فرانسه در آرای دیوان عالی کشور، مباشر جرم موظف است که زیان ناشی از جرم را به طور کامل جبران کند. لذا نمی‌تواند به وضعیت پیشین زیان دیده استناد کند (شعبه کیفری، ۱۴ ژوئن ۱۹۹۰) همچنین اگر زخم‌های پدید آمده بواسطه حادثه، یک آسیب دیدگی نهفته در زیان دیده را آشکار کرده و روند پیشرفت بیماری مرگ بار را که زیان دیده دچار آن بود اما تا آن زمان بروز نکرده بود شتاب بخشیده باشد، قضات می‌تواند حکم دهند که میان حادثه و مرگ بعدی زیان دیده رابطه سببیت برقرار است. (شعبه دوم مدنی، ۱۳ ژانویه ۱۹۸۲).^۲

اما هنگامی که وضعیت بیمارگونه پیشین، حاصل آسیبی باشد که زیان دیده در گذشته متحمل آن شده باشد و به صورت یک عارضه ثابت و تثبیت شده درآمد باشد و حادثه، تنها آن را تشدید کرده باشد، در این صورت مسئله تفاوت پیدا می‌کند زیرا طبیعی است که مسئول باید تنها خساراتی را که به بار آورده است جبران کند. به عنوان مثال، اگر زیان دیده پیش از حادثه دچار ناتوانی دائمی جزئی به میزان ۳۰٪ بود و پس از حادثه، میزان آن به ۸۰٪ رسید در این صورت مسئول تنها باید ۵۰٪ از این ناتوانی را جبران کند. با وجود این اگر خواننده، نه تنها ناتوانی پیشین را تشدید کرده بلکه «ماهیت ناتوانی پیشین را به کلی دگرگون کرده باشد» زیان دیده حق دارد که از مسئول بخواهد

^۱. Ian Yeats, Law of Tort, The University of London Press, ۲۰۰۵, p. ۳۹.

^۲. ژوردن، همان، ص. ۲۲۱.

که خسارت ناشی از ناتوانی جدید را به طور کامل جبران کند. مثلاً اگر فرد یک‌چشمی در حادثه‌ای به طور کامل نابینا شود، این حق را پیدا می‌کند که از خواننده بخواهد که خسارت نابینایی کامل او را جبران کند. همان‌طور که اشاره شد، یکی از آرای دیوان عالی کشور فرانسه معتقد است: «هنگامی که شخص یک‌چشم، در پی حادثه شکار نابینا می‌شود، نابینایی ناشی از حادثه ممکن است به اندازه ۱۰٪ ارزیابی شود و نابینایی پیشین مد نظر قرار نگیرد. (شعبه دوم مدنی، دیوان عالی کشور ۱۹ ژوئیه ۱۹۶۶).^۱

در حقوق کامن‌لا بحث وضعیت پیشین زیان‌دیده با این پرسش مطرح شده است که اگر اتومبیلی با شخصی برخورد نماید و سبب ضربه مغزی او شود و سپس کاشف به عمل آید که جمجمه وی دارای پوست نازکی بوده است، آیا خواننده مسئول است؟ یا اگر شخصی با مشت، ضربه‌ای به دیگری زده و او دارای قلبی ضعیف بوده به‌حدی که متحمل لطمات زیادی شود آیا می‌توان گفت خواننده مسئولیت ندارد یا مسئولیت او کمتر است؟ به عبارت دیگر آیا خواننده می‌تواند به این استدلال توسل جوید که اگر زیان‌دیده جمجمه غیرعادی یا قلبی غیرمعمولی نداشت به او خسارتی وارد نشده یا خسارت کمتری وارد می‌شد؟

«طبق یک اصل موسوم به جمجمه پوست تخم‌مرغی،^۲ خواننده نمی‌تواند دفاع نماید که اگر متضرر، شخص عادی با جمجمه عادی و قلب معمولی بود خسارت وارد نمی‌شد یا خسارت کمتری وارد می‌شد. طبق این قاعده، لزومی ندارد خصوصیات زیان‌دیده برای فاعل فعل زیان‌بار قابل پیش‌بینی باشد».^۳ به نظر می‌رسد دو فرض را باید از یکدیگر تفکیک کرد: نخست موردی است که اگر وضعیت پیشین نمی‌بود اصلاً زیانی وارد نمی‌شد. در این مورد به نظر می‌رسد که پیش‌بینی خصوصیات زیان‌دیده برای مسئول - دانستن عامل زیان ضروری است. شاید این مورد از جمله معدود مواردی است که می‌توان گفت رابطه سببیت بین وضعیت پیشین زیان‌دیده و ورود ضرر، قوی‌تر از فعل عامل زیان است. فرض دوم موردی است که حتی بدون وجود وضعیت پیشین، خسارت باز هم وارد می‌شد اما وجود این وضعیت پیشین، خسارت را تشدید کرده است. در این مورد باید گفت «اولاً، به فرض هم که طبق نظر برخی، پیش‌بینی زیان‌دیده ضروری

^۱. همان.

^۲. The Egg-shell Skull Principle

^۳. یزدانیان، همان، ص ۳۰۷.

باشد، پیش‌بینی مقدار و میزان خسارت لازم نیست. چنین مواردی که خواننده نمی‌توانسته پیش‌بینی کند که به‌عنوان مثال از ضربه مشت او به علت ضعف قلب متضرر، خسارت زیادی به او وارد خواهد شد، مسئله‌ای است که به میزان ضرر ارتباط دارد که عدم پیش‌بینی میزان خسارت اصولاً دفاعی برای خواننده محسوب نمی‌شود. ثانیاً، از این میان، زیان‌دیده که دست تقدیر، او را ناقص‌الخلقه و دارای ساختار فیزیکی غیرعادی نموده، بیشتر سزاوار تحمل خسارت است یا فاعل فعل زیان‌بار که مرتکب تقصیر شده است؟ آیا معافیت مقصر از مسئولیت به معنای سوء‌استفاده از خلقت ناقص دیگران نیست؟^۱

۲-۲. بررسی حکم در فقه

در فقه این عقیده رایج است که در صورتی که عمل عامل زیان، سبب تغییر ماهیت خسارت زیان‌دیده شود، عامل زیان مکلف به پرداخت کل خسارت می‌شود؛ یعنی نه تنها وضعیت پیشین زیان‌دیده سبب معافیت عامل زیان نخواهد شد، بلکه سبب افزایش مسئولیت وی نیز می‌شود؛ این در حالی است که اگر با فعل عامل زیان، خسارت زیان‌دیده افزایش یابد، وی تنها مکلف به جبران میزان خسارتی است که بر اثر عمل خود ایجاد کرده است نه تمام خسارت. برای مثال اگر تنها یک چشم زیان‌دیده بینا باشد اما دچار حالاتی نظیر ضعف و بیماری و شب‌کوری یا لوچی باشد بر اساس قول مشهور در فقه، از بین بردن این چشم سبب تحقق دیه کامل می‌شود.^۲ در توجیه این سخن می‌توان گفت که وضعیت چشم (هرچند ضعیف یا بیمار یا ... بوده است) از حالت بینایی به نابینایی تبدیل شده است (تغییر ماهیت وضعیت پیشین زیان‌دیده). بنابراین وضعیت پیشین چشم زیان‌دیده از حیث ضعف و بیماری و شب‌کوری یا لوچی از نظر

^۱. پیشین، ص ۳۰۸.

^۲. هندی، فاضل، کشف اللثام، ج ۱۱، منشورات مکتبه آیه‌الله العظمی المرعشی النجفی، ۱۴۰۵، صص ۳۲۹ - ۳۳۰؛ ابن‌العلامة، إيضاح الفوائد، ج ۱، المطبعة العلمية، ۱۳۸۹، ص. ۶۸۷؛ حلی، العلامة، قواعد الأحكام، مؤسسه النشر الإسلامی، ۱۴۱۳، صص ۶۷۱ - ۶۷۰: «فی کل عین بصیره نصف الدیه. و تستوی الصحیحه و العمشاء، و الحولاء و الجاحظه. و فی العینین کمال الدیه. و الأخفش و الأعشی و الأرمذ و الأجهر و الأعمش کالصحیح»؛ طباطبائی، علی، ریاض المسائل، ج ۱۴، مؤسسه النشر الإسلامی، ۱۴۱۲، ص. ۴۴۴: «و إطلاق النص و الفتوی یقتضی عدم الفرق فی ذلک بین کون العین صحیحه أو حولاء أو عمشاء ضعیفه البصر مع سیلان دمعها فی اکثر أوقاتھا أو جاحظه عظیمه المقله أو جهری لا تبصر فی الشمس أو رمداء أو غیرھا، و بذلک صرح جماعه، قالوا: أما لو کان علیه بیاض، فإن بقی معه البصر تاماً فکذلک».

فقها بی‌تأثیر است. این درحالی است که اگر عامل زیان سبب نقصان بینایی (تشدید وضعیت پیشین زیان‌دیده) شود سهمی از دیه کاسته خواهد شد.^۱ اما این حکم در تمامی مصادیق اجرا نشده است. برای مثال، این فتوا غالباً دیده شده است که اگر کسی فاقد حس شنوایی یکی از گوش‌ها باشد، کرکردن گوش سالم او نصف دیه دارد. این درحالی است که در مورد فوق نیز کرکردن گوش سالم فردی که گوش دیگرش فاقد حس شنوایی بوده است به معنای تغییر ماهیت خسارت وی از شنوایی به ناشنوایی است. پس آیا نباید عامل زیان را به جبران تمام خسارت (پرداخت دیه کامل) مکلف کرد؟ اما عمده‌تأ فقها تنها پرداخت نصف دیه را کافی دانسته‌اند.^۲ این سخن بدان معنا است که از دیدگاه اینان تغییر ماهیت خسارت، قاعدتاً نمی‌تواند سبب تشدید مسئولیت عامل زیان باشد.^۳

همچنین این فتوا در برخی از کتب فقهی دیده شده است که دیه هر کدام از دست‌ها نصف دیه کامل است. در این حکم نیز تفاوتی میان آنکه مجنی‌علیه دارای دو دست باشد یا یک دست و دست دیگر را خلقتاً یا در اثر سانحه‌ای از دست داده باشد، قائل نشده‌اند.^۴ حتی برخی از فقها با تکیه بر اجماع و اخبار و اصل برائت ذمه، صراحتاً حکم به پرداخت نصف دیه کرده‌اند، حتی اگر دست دیگر فرد، پیش از این در جهاد از بین رفته باشد.^۵

۱. طباطبائی، همان، ص. ۲۴۴: «ولو نقص، نقص من الدیه بحسابه و یرجع فیہ الی رأی الحاکم»، طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، النهایه فی مجرد الفقه و الفتاوی، دارالکتاب العربی، چاپ دوم، ۱۴۰۰ ه. ق.، ص. ۷۶۵.

۲. حلّی، أبو الصلاح، الکافی للحلّی، مکتبه الإمام امیر المؤمنین علی (ع)، بی‌تا، ص. ۳۹۷: «و فی قطع الأذنین الدیه کامله، و فی قطع إحدىهما نصف الدیه»، حلّی، محقق، المختصر النافع، قسم الدراسات الإسلامیه فی مؤسسه البعثه، ۱۴۱۰، ص. ۳۰۲: «و فی السمع دیه. و فی سمع کل أذن نصف الدیه»

۳. در فقه در همین مصداق در برخی از اقوال میان عامل انسانی و غیر انسانی تفاوت قائل شده‌اند: طوسی، ابن حمزه، الوسیله، خیام، ۱۴۰۸، ص. ۴۴۵: «و إن ذهب السمع من أحد الأذنین بسبب من الله تعالی ففی الآخر الدیه کامله، و إن ذهب بسبب من الناس لم یتغیر حکم الآخر».

۴. أبو الصلاح، همان، ص. ۳۹۸: «و فی الیدین الدیه کامله، و فی إحدىهما نصف الدیه»، طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، الخلاف، ج ۵، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۰۷، ص. ۲۴۷: «إذا قطع إحدى الیدین من الکوع، وجب فیها نصف الدیه. و به قال جمیع الفقهاء».

۵. ن. ک: پیشین، صص ۲۵۱ - ۲۵۰: «من قطعت إحدى یدیه فی الجهاد و بقیه الأخری، فقطعها إنسان، کان فیها نصف الدیه. و به قال جمیع الفقهاء و قال الأوزاعی: کمال الدیه دیه الیدین. دلیلنا: إجماع الفرقه و أخبارهم، و ایضاً الأصل براه الذمه، و ما ذکرناه مجمع علیه، و ما قاله لیس علیه دلیل»، قمی، علی بن

علاوه بر تمییز فوق، بر اساس قول مشهور در فقه، برای تعیین میزان مسئولیت عامل زیان، باید عامل ایجادکننده وضعیت پیشین زیان دیده را نیز مورد بررسی قرار داد؛ بدین توضیح که اگر وضعیت پیشین زیان دیده بر اساس عامل انسانی ایجاد شده باشد، عامل زیان دوم، تنها مکلف به جبران زیانی خواهد بود که نتیجه عمل خودش بوده است و نسبت به وضعیت قبلی زیان دیده مسئولیتی نخواهد داشت اما اگر وضعیت پیشین زیان دیده در اثر عاملی غیرانسانی ایجاد شده باشد، عامل زیان دوم مسئول جبران کامل خسارت خواهد شد.^۱ برای مثال اگر فرد، یک چشم سالم و یک چشم نابینا داشته باشد، بسته به سبب نابینایی چشم وی، مسئولیت عامل زیان متفاوت خواهد بود. اگر علت نابینایی وی به تعبیری «جنایی» باشد عامل زیان تنها مکلف به پرداخت نصف دیه خواهد بود اما اگر علت نابینایی «غیرجنایی» باشد مسئولیت وی دیه کامل است.

حال این سؤال مطرح می‌شود که چرا با آنکه در هر دو حالت وضعیت زیان دیده یکسان است و در هر دو مورد، وی به‌طور کامل نابینا می‌شود، فقها برای این دو حالت، دو حکم متفاوت داده‌اند. اگرچه در ظاهر، دلیل عمده این حکم، اخبار و اجماع دانسته شده است^۲ اما شاید دلیل این تفاوت را بتوان بر اساس وجود عامل انسانی توجیه کرد. همان‌طور که پیش‌تر اشاره شد، در واقع این فرض تأسیس شده است که در صورتی که دلیل خسارت قبلی زیان دیده، عامل انسانی باشد، زیان دیده به وی رجوع کرده و خسارت خود را جبران کرده است. بنابراین رجوع وی به عامل زیان دوم برای خسارتی که قبلاً جبران شده است معنا نخواهد داشت. لذا وی تنها به میزان خسارتی که خود به عمل آورده مسئول است. اما وجود عامل غیر انسانی قاعداً به معنی عدم جبران خسارت است.

محمد، جامع الخلاف والوفاق، پاسدار اسلام، ص. ۵۷۱: «و فی الیدین الدیه کامله و فی إحدیهما نصف الدیه، و فی کل واحده من الساعدين أو العضدين نصف الدیه».

۱. اردبیلی، محقق، مجمع الفائده، ج ۱۴، مؤسسه النشر الإسلام، ۱۳۶۴ ش، صص ۳۶۴-۳۶۳؛ حلی، ابن فهد، الرسائل العشر، مطبوعه سید الشهداء (ع)، صص ۳۰۹-۳۰۸؛ شهید ثانی، شرح اللمعه، ج ۱۰، مطبوعه الآداب، ۱۴۱۰، صص ۴۰۴-۴۰۳؛ حلی، همان، ص. ۳۹۶؛ طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن، النهایه فی مجرد الفقه و الفتاوی، همان، صص ۷۶۶-۷۶۵: «و فی العین العوراء الدیه کامله، إذا كانت خلقه، أو قد ذهب فی آفه من جهه الله تعالی. فإن كانت قد ذهب و أخذ دیتها، أو استحق الدیه، وإن لم يأخذها، کان فیها نصف الدیه».

۲. حلی، ابن زهره، همان، ص. ۴۱۶: «بدلیل إجماع»؛ هندی، فاضل، همان، ص. ۳۲۹-۳۳۰: «للاخبار...».

با این حال این نکته بر تمایز فوق وارد است که صرف انسانی بودن عامل ورود زیان لزوماً به معنای جبران خسارت نیست چرا که ممکن است به دلایلی از جمله ناشناخته ماندن جانی، خسارت جبران نشده باشد. شاید از همین رو است که برخی از فقها با استناد به اطلاق روایات به لزوم دریافت دیه اشاره کرده‌اند.^۱ به هر حال تمایز فوق‌الذکر عمدتاً در مصداق چشم باقی می‌ماند و فراتر از آن نمی‌رود؛ چنان‌که می‌توان گفت که موردی استثنایی و تنها ناظر به دیه این عضو موارد همه موارد، دیه کامل به نابینا ساختن تنها چشم زیان‌دیده تعلق بگیرد، در حقیقت فلسفه قصاص و متنبه شدن است.

دلیل دیگر این مسئله را می‌توان در فرض قصاص جستجو کرد چرا که اگر قرار باشد همیشه و در همه موارد، دیه کامل به نابینا ساختن تنها چشم زیان‌دیده تعلق بگیرد، در حقیقت فلسفه قصاص و متنبه شدن زیان‌دیده نادیده انگاشته می‌شود و مانند این است که زیان‌دیده بابت جنایتی که سابقاً مرتکب شده است متحمل هیچ هزینه‌ای نشده است.

۲-۳. بررسی حکم قانون مجازات اسلامی قدیم و جدید

برای درک موضع قانون مجازات اسلامی قدیم می‌توان به ماده ۳۷۷ این قانون اشاره کرد. این ماده در مقام بیان حالتی که با عمل عامل زیان ماهیت زیان‌دیده تغییر می‌کند مقرر می‌دارد:

«دیه چشم کسی که دارای یک چشم سالم و بینا باشد و چشم دیگرش نابینای مادرزاد بوده یا در اثر بیماری یا علل غیرجنایی از دست رفته باشد دیه کامل است و اگر چشم دیگرش را در اثر قصاص یا جنایتی از دست داده باشد دیه آن نصف دیه است.»

ماده ۲۸۴ نیز بر بُعد کیفری موضوع و مفاد ماده فوق تکیه دارد؛ ماده‌ای که در آن قانونگذار به ترکیبی از حالت‌های دوم (تمایز میان تشدید و تغییر ماهیت زیان) و سوم (تمایز میان عامل انسانی و غیرانسانی) اشاره کرده است. این ماده مقرر می‌دارد:

۱. ابن ابی‌جمهور الأحسانی، عوالی اللئالی، ج ۲، سید الشهداء، ۱۴۰۳، ص ۶۳۰. البته برخی دیگر صرف استحقاق دیه را مؤثر دانسته‌اند صرف‌نظر از آنکه فرد دیه‌ای اخذ کرده باشد یا خیر؛ شیخ طوسی، النهایه فی مجرد الفقه و الفتاوی، همان، صص ۷۶۶-۷۶۵: «فإن كانت قد ذهبت، وأخذ ديتها، أو استحق الدية، وإن لم يأخذها، كان فيها نصف الدية»؛ حلی، علامه، قواعد الأحكام، همان، ص. ۶۷۱: «وفی عین الأعرور الصحیحه الدیه کامله إن كان العور خلقه، أو تجدد بأفه من الله تعالی. ولو كانت بجنایه جان استحق أرشه، وإن لم يأخذها أو ذهب فی قصاص فالنصف»؛ ابن‌العلامة، إیضاح الفوائد، همان، ص. ۶۸۷، حلی، العلامة، قواعد الأحكام، همان، صص ۵۸۵-۵۸۴.

«هرگاه شخصی که دارای دو چشم است چشم کسی را که فقط دارای یک چشم است درآورد مجنی‌علیه می‌تواند یک چشم جانی را قصاص کند و نصف دیه کامل را هم دریافت نماید، یا از قصاص یک چشم جانی منصرف شود و دیه کامل بگیرد مگر در صورتی که مجنی‌علیه یک چشم خود را قبلاً در اثر قصاص یا جنایتی که استحقاق دیه آن را داشته است از دست داده باشد که در این مورد می‌تواند یک چشم جانی را قصاص کند و یا با رضایت جانی نصف دیه کامل دریافت نماید»^۱.

در تعیین حکم ماده فوق همان‌طور که گفته شد قانونگذار از ترکیب دو معیار استفاده کرده است:

نخست آنکه از بین بردن چشم فردی که تنها از یک چشم برخوردار است به معنای تغییر ماهیت خسارت است. به همین دلیل قانونگذار، عامل زیان را مکلف به پرداخت دیه کامل کرده است.^۲

دوم آنکه میان علت خسارت (جنایی یا غیرجنایی) تفاوت قائل شده است آنجا که مقرر می‌دارد: «اگر چشم دیگر زیان‌دیده نابینای مادرزاد بوده یا در اثر بیماری یا علل غیرجنایی از دست رفته باشد دیه کامل است و اگر چشم دیگرش را در اثر قصاص یا جنایتی از دست داده باشد، دیه آن نصف دیه کامل است».

استثنای مربوط به دیه چشم و تمایز میان عامل انسانی و غیرانسانی در قانون مجازات اسلامی جدید هم مورد توجه قرار گرفته است. ماده ۵۸۷ این قانون مقرر می‌دارد: «درآوردن و یا از بین بردن دو چشم بینا دیه کامل و هریک از آن‌ها نصف دیه دارد. چشم‌هایی که بینایی دارند در این حکم یکسانند هر چند میزان بینایی آن‌ها متفاوت باشد یا از جهات دیگر مانند شب‌کوری و منحرف‌بودن با هم فرق داشته باشند».

کندن و از بین بردن دو چشم بینا دیه کامل و هر یک از آن‌ها نصف دیه دارد. تمام چشم‌هایی که بینایی دارند در این حکم یکسانند هر چند میزان بینایی آن‌ها متفاوت بوده یا از جهات دیگر مانند شب‌کوری و لوچ‌بودن با هم فرق داشته باشند». متعاقب آن، ماده ۵۸۸ این قانون مقرر می‌دارد: «درآوردن و یا از بین بردن چشم بینای کسی که فقط یک چشم بینا دارد و چشم دیگرش نابینای مادرزادی و یا به علل غیرجنایی از بین رفته باشد موجب دیه کامل است لکن اگر چشم دیگرش را در اثر قصاص یا

۱. مضمون ماده فوق قول مشهور در فقه نیز هست. اردبیلی، محقق، مجمع الفائدة، همان، صص ۳۶۴ -

۳۶۳، حلی، ابن فهد، همان، صص ۳۰۹ - ۳۰۸.

۲. حلی، علامه، مختلف الشیعه، ج ۹، مؤسسه نشر اسلامی، ۱۴۱۵، صص ۳۶۴، ۳۶۲: «لأن الجانی أذهب جمیع بصره».

جنایتی که استحقاق دیه آن را داشته است از دست داده باشد دیه چشم بینا، نصف دیه کامل می‌باشد».

نکته دیگر این است که با توجه به اینکه قانونگذار عامل جنایی را مؤثر دانسته است این پرسش مطرح می‌شود که اگر سبب از بین رفتن یک چشم، آسیبی باشد که خود فرد به یک چشم خود وارد آورده است آیا عامل زیانی که چشم سالم وی را از بین برده است باید یک دیه کامل را بپردازد؟ امری که از نظر برخی از فقها مغفول نمانده است و صدمه واردآمده توسط خود فرد را ملحق به عامل جنایی کرده‌اند.^۱ به نظر می‌رسد بر مبنای قاعده اقدام نباید فرد را مستحق دیه کامل دانست.

سؤال دیگری که مطرح می‌شود این است که در صورتی که عامل زیان، خود دارای یک چشم بوده و مجنی‌علیه تصمیم به قصاص او بگیرد آیا فروض فوق جاری است؟ به نظر می‌رسد پاسخ منفی است به این معنا که چشم عامل زیان سابقاً به هر علتی اعم از جنایی یا غیرجنایی نابینا شده باشد، به قصاص چشم دیگرش هرچند موجب نابینایی کامل او شود، دیه تعلق نمی‌گیرد. ماده ۲۸۳ قانون مجازات اسلامی قدیم پاسخ این سؤال را چنین مقرر می‌دارد: «هرگاه شخصی یک چشم کسی را کور کند یا درآورد قصاص می‌شود گرچه جانی بیش از یک چشم نداشته باشد و چیزی به‌عنوان دیه به او داده نمی‌شود». ماده ۴۰۲ قانون مجازات اسلامی جدید نیز مقرر می‌دارد: «اگر شخصی یک چشم کسی را درآورد یا کور کند، قصاص می‌شود، گرچه مرتکب بیش از یک چشم نداشته باشد و دیه‌ای به وی پرداخت نمی‌شود. این حکم در مورد همه اعضای زوج بدن جاری است». ممکن است گفته شود دلیل این مقررره که مبنای آن اجماع فقها است^۲ این است که زیان‌دیده نباید در احقاق حق خود با مانعی مواجه شود و پرداخت مبلغی به‌عنوان دیه به او تحمیل شود. همچنین ممکن است گفته شود عامل زیان، خود باعث ورود زیان بوده و باید قصاص شده و تبعات «اقدام» خود را تحمل کند به این معنا که اعمال قاعده اقدام در اینجا نیز مصداق دارد. اما باید گفت که به حکم

۱. حلبی، أبو‌الصلاح، همان، ص. ۳۹۶.

۲. (و یثبت القصاص فی العین) بلا خلاف ولا إشکال (ولو کان الجانی أعمور خلقه) أو بأفء سماویة أو بجنایة، لعموم الأدلّة (وإن کان لو اقتص منه (عمی، فإن الحق أعماه) قال محمد بن قیس [۱]: قلت لأبی جعفر (علیه السلام): أعمور فقاً عین صحیح قال: تفقاً عینه، قال: قلت: یبقی أعمی، قال: الحق أعماه) وفي مرسله أبان عن أبی عبد الله (علیه السلام) (سألت عن أعمور فقاً عین صحیح متعمداً، قال: تفقاً عینه، قلت: فیکون أعمی، قال: الحق أعماه) والسند منجبر بالاتفاق ظاهراً علیه، بل عن الخلاف إجماع الفرقة وأخبارها. نجفی، شیخ محمدحسن، جواهرالکلام، ج ۴۲، ص ۳۶۷.

این مواد انتقاد وارد است چرا که اگر نابینایی کامل در مورد زیان‌دیده یک‌چشم، دیه کامل دارد و میان عامل جنایی و غیرجنایی نابینایی سابق او تفکیک گذاشته می‌شود چرا عامل زیان در صورت قصاص‌شدن و نابینایی کامل به علت قصاص، باید از دریافت دیه محروم بماند و چرا این تفکیک نباید در مورد عامل زیان رعایت شود؟ حق بود که قانونگذار، نیمی از دیه را در ازای نابینایی کامل او مقرر می‌داشت چرا که درست است که زیان‌دیده، تنها چشم و تنها یک چشم او را قصاص کرده است اما در حقیقت کارکرد دو چشم را از او سلب کرده است. نمونه الزام زیان‌دیده به پرداخت زیان عامل زیان در حقوق ایران بی‌سابقه نیست از جمله می‌توان به پرداخت نصف دیه مرد قاتل در مورد مقتول زن از سوی خانواده زن جهت اجرای حکم قصاص اشاره کرد. کاربرد قاعده اقدام نیز در این مسئله مورد تردید است چرا که همان‌طور که قبلاً اشاره شد در موردی که زیان‌دیده -در این فرض، عامل زیان- با فعل یا ترک فعل خود، در ایراد ضرر به خود مشارکت داشته، تردید کمتری در پذیرش تحدید مسئولیت عامل زیان -در این فرض، زیان‌دیده قصاص‌کننده- پیش می‌آید، اما این تحدید مسئولیت به خاطر وضعیتی که زیان‌دیده - عامل زیان- از پیش دچار آن بوده و در ایجاد آن نقشی نداشته است، بیشتر محل چالش است و بر فرض هم که اعمال قاعده اقدام پذیرفته شود عامل زیان تا حد اقدام خود باید مجازات شود نه بیش از آن. بنابراین احقاق حق زیان‌دیده نباید باعث خسارت بیش از حد او شده و او را دچار نابینایی کامل کند. همچنین تفکیک جنایی و غیرجنایی بودن علت نابینایی سابق، باید در مورد عامل زیان نیز رعایت شود. بنابراین اگر یک چشم عامل زیان سابقاً به دلیل جنایی از بین رفته باشد در موقع قصاص چشم دیگرش، مستحق دریافت نصف دیه نیست اما اگر چشم او سابقاً به دلیل غیرجنایی از بین رفته باشد، در موقع قصاص چشم دیگرش، مستحق دریافت نصف دیه است و شاید در این مورد است که بتوان اعمال قاعده اقدام را پذیرفت.

به این ترتیب به نظر می‌رسد در صورت تغییر ماهیت خسارت، عامل زیان مکلف به پرداخت کل خسارت می‌شود اما در حالت تشدید خسارت، وی تنها مکلف به جبران میزان خسارتی است که بر اثر عمل وی ایجاد شده است نه تمام خسارت. تأیید طرز تلقی فوق مبنی بر تمایز میان تشدید و تغییر خسارت را در مواد دیگری نیز می‌توان سراغ گرفت.

برای مثال ماده ۳۷۵ قانون مجازات اسلامی قدیم مقرر می‌دارد: «از بین بردن دو چشم سالم موجب دیه کامل است و دیه هر کدام از آن‌ها نصف دیه کامل خواهد بود.

تبصره - تمام چشم‌هایی که بینایی دارند در حکم فوق یکسانند گرچه از لحاظ ضعف و بیماری و شب‌کوری و لوچ‌بودن با یکدیگر فرق داشته باشند».

اما همان‌طور که گفته شد، متأسفانه قانونگذار از این تمایز منطقی میان تشدید و تغییر خسارت در مصداقی دیگر پیروی نکرده است. ماده ۴۵۰ قانون مجازات اسلامی قدیم مقرر می‌دارد:

«هرگاه کسی فاقد حس شنوایی یکی از گوش‌ها باشد کرکردن گوش سالم او نصف دیه دارد». حکم این ماده که ریشه آن را باید در کتب فقهی جستجو کرد،^۱ بدان معنا است که از نظر مقنن، تغییر ماهیت خسارت نمی‌تواند سبب تشدید مسئولیت عامل زیان باشد. ماده ۴۱۸ این قانون نیز در مصداقی دیگر حکم ماده ۴۵۰ را تکرار می‌کند: «از بین بردن مجموع دو دست تا مفصل مچ، دیه کامل دارد و دیه هر کدام از دست‌ها نصف دیه کامل است خواه مجنی‌علیه دارای دو دست باشد یا یک دست و دست دیگر را خلقتاً یا در اثر سانحه‌ای از دست داده باشد». ^۲ ماده ۶۳۵ قانون مجازات اسلامی جدید نیز مفاد ماده فوق را تکرار کرده و مقرر می‌دارد: «قطع کردن و یا از بین بردن هر یک از دست‌ها از مفصل مچ به شرط آنکه دارای انگشتان کامل باشد، موجب نصف دیه کامل است خواه مجنی‌علیه دارای دو دست و خواه به هر علت دارای یک دست باشد». بر اساس ماده ۴۲۸ قانون قدیم، حکم ماده ۴۱۸ در مورد پا نیز جاری است.^۳ ماده ۵۷۶ و ماده ۵۷۷ قانون مجازات اسلامی جدید نیز به ترتیب، دیه کندن و از بین بردن موی سر مرد یا زن را دارای دیه کامل می‌دانند بدون آنکه میان موی کم‌پشت و پرپشت فرقی قائل باشند. بنابراین، در این موارد نیز قانونگذار به وضعیت پیشین توجهی نکرده است. اما در ماده ۵۸۲ آمده است: «اگر مقداری از موی سر، ریش و ابرو پیش از جنایت از بین رفته باشد، زائل کردن باقی‌مانده آن‌ها، حکم از بین بردن قسمتی از مو را دارد».

^۱ حلبی، ابوالصلاح، همان، ص. ۳۹۷: «و فی قطع الأذنین الدیه کامله، و فی قطع إحدىهما نصف الدیه»؛ حلبی، محقق، المختصر المنافع، همان، ص. ۳۰۲: «و فی السمع دیه. و فی سمع کل أذن نصف الدیه».

^۲ الشیخ الطوسی، الخلاف، همان، صص ۲۵۱ - ۲۵۰.

^۳ در فقه به‌طور مستقل از دیه پا سخن گفته‌اند: حلبی، محقق، همان، ص. ۳۰۱، حلبی، ابوالصلاح، همان، ص. ۳۹۸: «و فی الرجلین الدیه کامله، و فی إحدىهما نصف الدیه».

ملاحظه می‌شود که مواد فوق نیز نه تنها برای تغییر ماهیت خسارت (از دست دادن هر دو دست) اهمیتی قائل نشده بلکه میان اسباب ایراد خسارت اولیه نیز تفاوتی قائل نشده‌اند.

با این حال قابل ذکر است که در مورد عدم لحاظ ملاک تغییر ماهیت خسارت در ماده فوق تردید روا است زیرا فی الواقع در این مورد نمی‌توان گفت که حالت زیان دیده تغییر یافته است.

به این ترتیب به نظر می‌رسد از دیدگاه قانونگذار، تشدید مسئولیت عامل زیان از باب وضعیت پیشین زیان دیده، در مصداق چشم، امری استثنایی است^۱ و در سایر موارد، این وضعیت پیشین در تخفیف مسئولیت او مؤثر است. هر چند شاید دقیق‌تر آن باشد که گفته شود در مواردی مانند گوش ناشنوا و بینی فاقد حس بویایی و... در حقیقت این وضعیت پیشین، در تخفیف مسئولیت عامل زیان مؤثر نیست و واردکننده زیان طبق قواعد عام مسئولیت مدنی به اندازه زبانی که وارد آورده است مسئول جبران خسارت است مگر اینکه قائل باشیم که ناشنوا شدن گوش دوم در حقیقت خسارتی فراتر از ناشنوا شدن یک گوش به بار می‌آورد و همان‌طور که گفته شد این مسئله به معنای تغییر وضعیت زیان دیده و به تبع، تغییر ماهیت خسارت از شنوایی به ناشنوایی است که در این صورت می‌توان قائل به تأثیر این وضعیت پیشین، در تخفیف مسئولیت عامل زیان از منظر قانونگذار شد. از این موارد پراکنده می‌توان نتیجه گرفت که قانونگذار در مورد تغییر ماهیت، تشدید مسئولیت را فقط در موردی استثنایی -زبانی که منجر به نابینایی کامل زیان دیده می‌شود- پذیرفته است و در سایر موارد تغییر ماهیت، از جمله زبانی که منجر به ناشنوایی کامل زیان دیده می‌شود- از قواعد عام مسئولیت مدنی پیروی کرده و این وضعیت پیشین را در تشدید مسئولیت عامل زیان مؤثر ندانسته است. از سوی دیگر، قانونگذار در مورد تشدید وضعیت پیشین زیان دیده از سوی عامل زیان، مسئولیت را به میزانی که وضعیت زیان دیده از قبل غیرطبیعی بوده است کاهش داده است. در هر حال، در نهایت می‌توان گفت که با توجه به لزوم تفسیر مضیق موارد

^۱ در فقه نیز مورد چشم امری استثنایی است: حلی، العلامه، تحریر الاحکام، همان، صص ۵۹۳ - ۵۹۲: «و فی الید الشلاء ثلث دیه الید الصحیحه، و فی الیدین ثلث دیه النفس، ولا تجب الدیه بکمالها، و فی روایه تجب الدیه أجمع والمشهور الأول. ولو قطع ید أقطع أو رجل أقطع فله نصف الدیه، أو القصاص من مثلها إن کان عمداً، سواء کان ذهاب الید الأخری بأفه من الله تعالی، أو بجنایه جان، أو فی سبیل الله، وکذا فی أذن من قطعت أذنه، أو منخر من قطع منخره، و لا یجب فیہ أكثر من نصف الدیه وإن کان ذاهباً من قبل الله تعالی.»

استثنایی از جمله مورد استثنایی چشم، هر جا تردید ایجاد شود که آیا وضعیت پیشین زیان دیده در تشدید مسئولیت عامل زیان مؤثر است یا خیر، پاسخ منفی خواهد بود. اما نکته مورد ابهام، میزان تأثیر وضعیت پیشین زیان دیده در مسئولیت عامل زیان است:

در برخی از موارد، قانونگذار آسیب قبلی را به طور مقطوع سبب کاهش دوسوم دیه کامل دانسته است. ماده ۴۸۶ بر همین اساس دیه قطع کردن عضو فلج را ثلث دیه همان عضو می‌داند.^۱ در واقع فلج بودن عضو، سبب کاهش میزان مسئولیت عامل قطع کردن آن به میزان یک سوم می‌شود. برای مثال با آنکه از بین بردن بینی موجب دیه کامل است (ماده ۳۸۰ ق.م.ا. قدیم) از بین بردن بینی فلج، ثلث دیه کامل است (ماده ۳۸۳ ق.م.ا. قدیم) و با درآوردن چشم فاسد نیز یک سوم دیه چشم صحیح ثابت می‌شود.^۲

کاهش میزان مسئولیت به یک سوم، محدود به فلج بودن عضو نیست. ماده ۳۹۶ همین حکم را برای زبان شخص لال نیز مجری می‌داند. این ماده مقرر می‌دارد: «از بین بردن تمام زبان سالم یا لال کردن انسان سالم یا ضربه مغزی و مانند آن دیه کامل دارد و بریدن تمام زبان لال، ثلث دیه کامل خواهد بود».^۳ این مسئله در قانون مجازات اسلامی جدید نیز در ماده ۶۱۲ مورد اشاره واقع شده است. این ماده مقرر می‌دارد: «قطع و از بین بردن تمام زبان لال موجب یک سوم دیه کامل است و از بین بردن مقداری از آن، موجب همان مقدار دیه به نسبت مساحت تمام زبان است. تبصره- لال اعم از مادرزادی و عارضی است لکن کسی که به واسطه عارضه- ای به طور موقت قادر به سخن گفتن نیست، گویا محسوب می‌شود».

^۱ با وجود بیان قاعده در ماده فوق، قانونگذار در مصادیق مختلف بر حکم فوق تأکید کرده است: ۳۸۹، ۳۹۴، ۴۲۷، ۴۲۸، ۴۳۲ و ۴۸۶.

^۲ حلی، ابن فهد، همان، صص ۳۰۸ و ۳۰۹؛ شهید ثانی، مسالک الأفهام، ج ۱۵، پاسدار اسلام، مؤسسه المعارف الإسلامیه، ۱۴۱۹، صص ۴۰۴ - ۴۰۳؛ اردبیلی، محقق، همان، صص ۳۶۴، ۳۶۳، هندی، فاضل، همان، صص ۳۳۰ - ۳۲۹) همچنین است قطع دست فلج یا انگشت فلج (الفصول المهمه فی أصول الأئمه. عاملی، حر، وسائل الشیعه، دار إحياء التراث العربی، ج ۲، صص ۵۳۷، طوسی، الخلاف، همان، صص ۲۰۱: «الید الشلاء والإصبع الشلاء فیها ثلث دیه الید الصحیحه، وثلث الإصبع الصحیحه. وقال الشافعی: فیها حکومه، ولا تقدیر فیها. دلیلنا: إجماع الفرقه وأخبارهم».

^۳ حلی، أبو الصلاح، همان، صص ۳۹۷: «وفی قطع لسان الأخرس ثلث دیته، وفی بعضه بحساب ذلک».

قطع و از بین بردن تمام زبان لال، ثلث دیه کامل است و از بین بردن مقداری از آن موجب همان مقدار دیه به نسبت مساحت تمام زبان خواهد بود.

تبصره- لال اعم از مادرزادی و عارضی است اما کسی که به واسطه عارضه‌ای به طور موقت قادر به سخن گفتن نیست، گویا محسوب می‌شود». ماده ۶۱۳ همین قانون نیز مقرر می‌دارد: «هرگاه شخصی مقداری از زبان کسی را قطع کند و موجب از بین رفتن قدرت ادای تعدادی از حروف گردد و شخص دیگری مقداری دیگر از زبان او را قطع کند و موجب از بین رفتن قدرت ادای تعداد دیگری از حروف شود هر شخص به نسبت تعداد حروفی که قدرت ادای آن‌ها را از بین برده است، ضامن می‌باشد».

در برخی از موارد دیگر، قانونگذار میزان مقطوعی برای کاهش میزان مسئولیت در نظر نگرفته است. ماده ۴۰۵ قانون مجازات اسلامی قدیم از جمله این موارد است: «هرگاه دندان‌ها از بیست و هشت تا کمتر باشد به همان نسبت از دیه کامل کاهش می‌یابد خواه خلقتاً کمتر باشد یا در اثر عارضه‌ای کم شده باشد»^۱.

آنچه تاکنون گفته شد اختصاص به دیه اعضا داشت اما همین موضوع را می‌توان در مورد دیه نفس نیز وارد کرد. برای مثال اگر «الف» به «ب» خسارتی را وارد آورد بدون آنکه وی کشته شود و سپس «ج»، «ب» را به قتل برساند آیا ایراد خسارت از جانب «الف» تأثیری در مسئولیت «ج» خواهد داشت؟

ماده ۲۱۶ قانون مجازات اسلامی قدیم در این مورد قابل استناد است. این ماده مقرر می‌دارد:

«هرگاه کسی جراحتی به شخصی وارد کند و بعد از آن، دیگری او را به قتل برساند قاتل همان دومی است اگرچه جراحات سابق به تنهایی موجب مرگ می‌گردید و اولی فقط محکوم به قصاص طرف یا دیه جراحتی است که وارد کرده مگر مواردی که در قصاص جراحات خطر مرگ باشد که در این صورت فقط محکوم به دیه می‌باشد»^۲.

^۱. حلی، علامه، بی‌تا، صص ۲۳۸ - ۲۳۷: «فإن جنى آخر بعد ذهاب بعض الحروف أخذ بنسبه ما ذهب من الباقي».

^۲. در فقه شیعه نیز با اتکا به آیه شریفه «إن النفس بالنفس والعین بالعين» و اجماع و اخبار همین قول مستقر است با این حال به مالک قول دیگری نسبت داده است به این توضیح که وی قصاص عضو جراح را نمی‌پذیرد: طوسی، الخلاف، ج ۵، مؤسسه النشر الإسلامی التابعه لجماعه المدرسین بقم المشرفه، ۱۴۱۴، صص ۱۸۴ - ۱۸۳: «إذا قطع ید رجل و قتل آخر قطعناه بالید، و قتلناه بالآخر. و به قال الشافعی. و قال مالک: یقتل و لا یقطع، لأن القصد إتلاف نفسه».

در مورد ماده فوق مسلم است که «الف» به خاطر جراحی که وارد آورده است محکوم به قصاص عضو یا دیه جراحی است که وارد آورده است^۱ و «ج» را با توجه به اینکه قاتل محسوب می‌شود می‌توان قصاص کرد. اما آنچه محل تردید است این است که در صورتی که اولیاءدم نخواهند او را قصاص کنند، اصولاً از وی به چه میزانی می‌توان دیه گرفت؟ آیا دیه‌ای که بابت جراحی گرفته شده است در کاهش میزان مسئولیت «ج» مؤثر است؟

ممکن است گفته شود اولیاءدم می‌توانند به «ج» برای گرفتن دیه کامل رجوع کنند. «ج» نیز مکلف به پرداخت دیه کامل است اما می‌تواند به «الف» به اندازه دیه جراحی رجوع کند. جلوگیری از داراشدن بلاجهت و ملاک ماده ۲۱۸ قانون مجازات اسلامی قدیم نیز در این مورد قابل استناد هستند. این ماده مقرر می‌دارد:

«هرگاه ایراد جرح، هم موجب نقص عضو شود و هم موجب قتل، چنانچه با یک ضربت باشد قصاص قتل کافی است و نسبت به نقص عضو قصاص یا دیه نیست».

اما در نقد این نظر می‌توان گفت که اولاً، ماده فوق اختصاص به موردی دارد که با یک ضربت و بالطبع توسط یک فرد، ایراد جرح، هم موجب نقص عضو شود و هم موجب قتل. در حالی که موضوع مورد بحث، ناظر به موردی است که دو فرد به‌عنوان مسئول مورد توجه قرار می‌گیرند. ثانیاً؛ دیه کامل بدل از قصاص نفس است و با انتفای قصاص قاعدتاً دیه نفس برقرار می‌گردد. قانونگذار نیز به امکان قصاص ج به‌عنوان قاتل صراحت دارد. پس با عدم قصاص منطقی است که بدل آن مستقر شود. ثالثاً، ایراد داراشدن بلاجهت نیز منتفی است چه باوجود دو سبب جداگانه، داراشدن، غیرعادلانه و بلاجهت نخواهد بود.^۲ در تحقق دیه کامل، آنچه مهم است و سبب استقرار دیه کامل می‌شود لطمه‌ای است که به حیات آدمی وارد می‌شود و در این مورد کیفیت یا کمیت آن تأثیرگذار نخواهد بود. بنابراین برای استحقاق دیه کامل یک سبب وجود دارد و برای استحقاق نسبت به دیه عضو، سببی دیگر یعنی صدمه وارده به عضو. پس باوجود دو سبب مختلف داراشدن دو دیه، دارا شدن بلاجهت نخواهد بود.

^۱ توجه به ماده ۲۱۷ قانون قدیم، در مورد عملکرد «الف» عمل وی باید سبب جراحی شود نه فوت. بنابراین «هرگاه جراحی که نفر اول وارد کرده، مجروح را در حکم مرده قرار داده و تنها آخرین رمق حیات در او باقی بماند و در این حال دیگری کاری را انجام دهد که به حیات او پایان بخشد، اولی قصاص می‌شود و دومی تنها دیه جنایت بر مرده را می‌پردازد».

^۲ Richard Kinder, Case Book On Torts, Oxford, ۲۰۰۶, p.۵۸; Christopher Berry Gray, The Philosophy Of Law, An encyclopedia, Vol.۲, Garland publishing, ۱۹۹۹, p. ۸۶۴.

نتیجه

به‌عنوان نتیجه باید گفت بنابر اصل جبران کامل خسارات تا جای ممکن باید تعادلی را که به‌وسیله خسارت از میان رفته است، به‌صورت پیشین بازگرداند. در واقع آنچه در این مقاله مورد بررسی واقع شد و نتیجه حاصل از آن بیانگر این است که وضعیت پیشین زیان‌دیده در میزان مسئولیت واردکننده زیان تأثیرگذار است. اما در این زمینه نباید آگاهی یا عدم آگاهی عامل زیان را در تخفیف یا تشدید مسئولیت عامل زیان به دلیل وضعیت پیشین زیان‌دیده، مؤثر دانست. در واقع این امر می‌تواند در مسئولیت کیفری مؤثر افتد اما در مسئولیت مدنی، بی‌تأثیری آگاهی واضح است. همچنین گاه زیان وارده منجر به تغییر ماهیت وضعیت پیشین زیان‌دیده می‌شود که در این مورد قانونگذار، تشدید مسئولیت را فقط در موردی استثنایی - زبانی که منجر به نابینایی کامل زیان‌دیده می‌شود- پذیرفته است و در سایر موارد تغییر ماهیت، -از جمله زبانی که منجر به ناشنوایی کامل زیان‌دیده می‌شود- قانونگذار از قواعد عام مسئولیت مدنی پیروی کرده و وضعیت پیشین زیان‌دیده را در تشدید مسئولیت عامل زیان مؤثر ندانسته است. اما گاه فعل زیان‌بار منجر به تشدید زیان قبلی زیان‌دیده می‌شود. در این مورد قانونگذار، مسئولیت را به میزانی که وضعیت زیان‌دیده از قبل غیرطبیعی بوده است کاهش داده است. در هر حال و به‌عنوان نتیجه می‌توان گفت که با توجه به لزوم تفسیر مضیق موارد استثنایی از جمله مورد استثنایی چشم، هر جا تردید ایجاد شد که آیا وضعیت پیشین زیان‌دیده در تشدید مسئولیت عامل زیان مؤثر است یا خیر، پاسخ منفی خواهد بود.

منابع:

الف - فارسی

- ایزانلو، محسن، «اثر تقصیر خطای زیان دیده بر رجوع نهاد تأمین اجتماعی»، فصلنامه حقوق دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، سال سی و نهم، شماره ۴، زمستان ۱۳۸۸.
- ژوردن، پاتریس، اصول مسئولیت مدنی، ترجمه و تحقیق: مجید ادیب، چاپ دوم، میزان، ۱۳۸۵.
- جنیدی، لعیا، «تقصیر زیان دیده»، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، ش ۴۶، زمستان ۱۳۷۸.
- حسینی نژاد، حسینقلی، مسئولیت مدنی، پخش فرهنگی و دانشگاهی شهید بهشتی، ۱۳۷۰.
- خادم‌العموم، علی، «مسئولیت مطلق و مسئولیت مدنی»، مجله کانون وکلا، ش ۳۸، دوره اول، خرداد و تیر ۱۳۳۳.
- کاتوزیان، ناصر، ضمان قهری، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۰.
- یزدانیان، علیرضا، حقوق مدنی: قواعد عمومی مسئولیت مدنی، جلد اول، میزان، زمستان ۸۶.

ب - عربی

- ابن ابی جمهور الأحسائی، عوالی اللئالی، ج ۲، سید الشهداء، ۱۴۰۳.
- ابن العلامه، إیضاح الفوائد، ج ۱، المطبعه العلمیه، ۱۳۸۹.
- أردبیلی، محقق، مجمع الفائده، ج ۱۴، مؤسسه النشر الإسلامی، ۱۳۶۴.
- حلبی، ابن زهره، غنیه النزوع، مؤسسه الإمام الصادق (ع)، مکتبه التوحید، ۱۴۱۷.
- حلبی، أبو الصلاح، الکافی للحلبی، مکتبه الإمام أمير المؤمنين علی (ع).
- حلّی، ابن إدريس، السرائر، جلد نخست، مؤسسه النشر الإسلامی التابعه لجماعه المدرسین بقم المشرفه، ۱۴۱۰.
- حلّی، ابن فهد، الرسائل العشر، مطبعه سید الشهداء (ع).
- حلّی، علامه، قواعد الأحكام، مؤسسه النشر الإسلامی، ۱۴۱۳.
- _____، تحرير الأحكام، جلد پنجم، ۱۴۲۲.

- _____ ، **مختلف الشيعة**، ج ٩، مؤسسه نشر اسلامي، ١٤١٥.
- حلي، محقق، **المختصر النافع**، قسم الدراسات الإسلاميه في مؤسسه البعثه، ١٤١٠.
- _____ ، **شرائع الإسلام**، جلد نخست، انتشارات استقلال.
- حلي، يحيى بن سعيد، **نزهه الناظر في الجمع بين الأشباه والنظائر**، ج ١، ٦٨٩، الآداب، ١٣٨٦.
- شهيد ثاني، **شرح اللمعه**، جلد ١٠، مطبعه الآداب، ١٤١٠.
- _____ ، **مسالك الأفهام**، جلد ١٥، پاسدار إسلام، مؤسسه المعارف الإسلاميه، ١٤١٩.
- طباطبائي، علي، **رياض المسائل**، جلد ١٤، مؤسسه النشر الإسلاميه، ١٤١٢.
- طوسي، ابو جعفر محمد بن حسن، **الخلاص**، ج ٥، دفتر انتشارات اسلامي، ج ١، ١٤٠٧.
- _____ ، **النهايه في مجرد الفقه و الفتاوى**، دار الكتاب العربي، چاپ دوم، ١٤٠٠ هـ ق.
- طوسي، ابن حمزه، **الوسيله**، خيام، ١٤٠٨.
- عاملي، حر، **وسائل الشيعة**، دار إحياء التراث العربي، جلد دوم.
- قمي، علي بن محمد، **جامع الخلاف والوفاق**، پاسدار إسلام.
- نجفي، شيخ محمدحسن، **جواهرالكلام**، ج ٤٢.
- هندی، فاضل، **كشف اللثام**، ج ١١، منشورات مكتبه آيه الله العظمى المرعشي النجفي، ١٤٠٥.

ج - انگليسي

- Anita Stuhmcke, **Essential Tort Law**, Cavendish, ٢٠٠١.
- Gilbert Kodilinye, **Commonwealth Caribbean Tort Law**, Cavendish, ٢٠٠٢.
- Henk Zandvoort, **The Role Of Liability**, June ١٥-١ ٢٠٠٠, Aachen, Germany, Published by VDI/VDE Gesellschaft Mess - und Automatisierungstechnik (GMA), Duesseldorf.

-
- <http://www.juricaf.org/arret/FRANCECOURDECASSATIO>
N1966.719JURITEXT.....6972876
 - Ian Yeats, Law of Tort, the University of London Press,
,2005.
 - Johann Neethling, Contributory Negligence Under South
African Law, November 2003.
 - Nicolette Priaulx, Tort Law and the Unwanted Child in an
Era of Choice, Cavendish,2007.
 - Richard Kinder, Case Book on Torts,9th.Oxford , 2006.
 - Omri Ben-Shahar, Causation And Forseeability, Tel Aviv
University © Copyright 1999.
 - Christopher Berry Gray, The Philosophy Of Law, An
Encyclopedia, Vol. 2, Garland Publishing, 1999.
 - Thomas J. Miceli, Economics of the Law, Oxford University
Press, 1996.